

برشی بر وقایع انتخاباتی



شهراد اتنی‌عشری
shahrad42@yahoo.com

استدلال طرفداران این دیدگاه آن است که در غیاب حضور گسترده مردم در انتخابات گذشته، پایگاه سنتی اصول‌گرایان مشخص است و معلوم و اگر برخی از تحریم‌کنندگان امسال اقدام به مشارکت گسترده کردند، ناشی از نگرانی آنها از وضع موجود بوده، بنابراین مشارکت ۸۵ درصدی رای‌دهندگان بیش از آن که حاصل دفاع از عملکرد دولت نهم باشد، ناشی از اقبال آنها به نامزدی است که به‌زعم آنان برای تغییر وضع کنونی آمده است.

البته در فضای حساس انتخابات به دلیل محکم بودن جو احساسی امکان ارایه تحلیل واقعی وجود نداشت، اما این پیش‌بینی که رقابت اصلی بین آقایان احمدی‌نژاد و موسوی خواهد بود، افکار عمومی را تحت تاثیر قرار داده بود، اما هیچ کس نمی‌توانست از پایین بودن بیش از حد آرای دو نامزد دیگر تعجب نکند، زیرا در زادگاه خود نیز موفقیت چندانی به دست نیاوردند.

به هر حال بیشتر مردم و فعالان سیاسی تصور می‌کردند با پخش آرا میان دو نامزد اصلی، رقابت‌ها به دور دوم کشیده خواهد شد که البته این گونه نشد تا صدای معترضان به نتایج انتخابات بلند شود. از سوی دیگر طرفداران رویکرد اول نیز با اشاره به اختلاف بالای آرای دو نامزد اصلی، امکان تخلف گسترده در انتخابات را رد می‌کنند و رقیب و طرفداران او را به ایجاد اغتشاش و ناآرامی در کشور متهم می‌کنند.

هر دو گروه البته استدلال‌های خاص خود را دارند، اما از آن جا که انسان همیشه جایز‌الخطا بوده و هست، امکان خطای نرم‌افزاری در یک یا چند مرحله از انتخابات دور از ذهن نیست و اگر هم عمداً خطایی از سوی شخص یا اشخاص در شمارش آرا صورت گرفته باشد، باید به طور دقیق بررسی و ریشه‌یابی شود تا افکار عمومی اعتماد خود را به نظام از دست ندهند. در عین حال، اگر معترضان به نتایج انتخابات از ابتدا از کانال‌های رسمی و قانونی اعتراضات خود را پی می‌گرفتند، فرصت برای بدخواهان و سوءاستفاده‌کنندگان

از مسایل اخیر به وجود نمی‌آمد. به گفته تحلیل‌گران اگر رسانه ملی که به گفته مسوولانش قرار است پس از انتخابات به رویکردهای مناظره‌ای خود ادامه دهد، این بار و پس از اعلام نتایج آراء این فرصت و امکان را برای برخی نامزدهای انتخابات فراهم می‌کرد تا رو در رو با مردم مسایل و دغدغه‌های خود را مطرح کنند، شاید کار به ناآرامی و سرانجام کشته و مجروح شدن شماری از مردم نمی‌انجامید.

باید به این نکته اشاره کرد که تمامی نامزدها از کانال شورای نگهبان عبور کردند و صلاحیت و شایستگی آنان برای اداره کشور اثبات شده بود که پا به عرصه رقابت‌ها گذاشتند، بنابراین همگی در دایره «خودی» قرار دارند و می‌شد فرصتی برای ابراز دفاعیات خود از رسانه

سومی هم در این خصوص وجود دارد؟ بدون شک انجام مناظره‌های تلویزیونی نامزدها نقش بسیار موثری در شفاف‌سازی دیدگاه نظرات آنها داشت و اگرچه با خارج شدن اصول اخلاقی از محور مناظره‌ها به جای ارایه برنامه‌های مدون و کارشناسی‌شده، تخریب، تمهت و مخدوش‌نشان دادن چهره نظام و انقلاب جای خود را در رسانه ملی محکم کرد، با این حال با بررسی و مرور این

حدود دو ماه از انتخابات دهم ریاست جمهوری که با چالش‌ها و التهابات زیادی هم همراه بود می‌گذرد و فضا برای بررسی بیشتر انتخابات مناسب‌تر است. ناآرامی‌ها و اعتراضات خیابانی پایان یافته و گرد و غبار حاصل از آن فرو نشسته و رسیدگی به شکایات و تخلفات انتخاباتی در بستر آرام‌تری دنبال شده است. هدف اصلی این نوشتار بررسی و یا تحلیل نتایج

● اقدامات افراطی برخی افراد و جریان‌ها موجب افزایش دامنه ناآرامی‌ها و اعتراضات شد ●



مناظره‌ها و درصد استقبال مخاطبان از آن به ویژه یکی از نامزدها که با برنامه مدون و از پیش طراحی شده پا به میدان گذاشته بود، ابهاماتی در سطح افکار عمومی به وجود آمده که چه طور می‌شود آرای این نامزد با توجه به عقلانی بودن پاسخ‌های این قدر پایین باشد.

چرا آرای محسن رضایی که به گفته صاحب‌نظران کمترین حاشیه را در مناظره‌ها داشت و جزء فرهیختگان عرصه سیاست به شمار می‌رود، باید پایین‌تر از حد معقول و انتظار باشد؟ یا چرا در برخی از حوزه‌ها میزان مشارکت مردم بیش از صددرصد بود؟! این ابهامات همراه با ارایه پاسخ‌هایی که برای افکار عمومی قانع‌کننده نبود، به التهابات موجود در سطح جامعه افزود تا طرفداران رویکرد دوم بحث تخلفات گسترده در انتخابات را مطرح کنند.

انتخابات نیست، هر چند مروری بر آن خواهیم داشت، اما نگاه اصلی معطوف به زوایای اخلاقی در عرصه سیاست و یا سیاه و سفید دیدن مسایل از سوی فعالان سیاسی است که تا حد زیادی بر التهابات و هیجانات ناشی از انتخابات افزود.

پیش از برگزاری انتخابات تا پس از اتمام آن همواره دو رویکرد و دیدگاه تقریباً افراطی در جامعه وجود داشت که یکی برگزاری انتخابات و نتایج حاصل از آن را کاملاً صحیح، سالم و به دور از هر گونه تخلف ارزیابی می‌کرد و دیگری نیز کل نتایج حاصل از انتخابات را با تاکید بر تخلف گسترده در آن به چالش می‌طلبید.

شاید با خواندن این مطلب بگویید کدام رویکرد واقعی‌تر است و حق مطلب را ادا می‌کند و یا آیا دیدگاه



رویکرد نادرست توزیع اخبار و اطلاعات موجب بی‌اعتمادی مردم شد

به هر حال انتخابات دهم نیز با تمام حاشیه‌های تلخش پایان یافت تا برگی دیگر از تاریخ انقلاب ورق بخورد. در این انتخابات اگر مدیران مسوول قدری با درایت و هوشمندی بیشتری رفتار می‌کردند، بدون شک از تبعات ناآرامی‌ها به شدت کاسته می‌شد. به عبارتی روشن‌تر متأسفانه سوءمدیریت و کم‌تدبیری دو عامل مهمی بود که موجب شد اعتراضات به اغتشاشات و آشوبگری تبدیل شود. به گفته بسیاری از صاحب‌نظران آگاه و بی‌طرف اگر اجازه صدور مجوز برای برگزاری تجمعات آرام به معترضان به نتایج انتخابات داده می‌شد، شاهد تحریک احساسات آنها نبودیم.

رفتارهای منطقی و بی‌طرفانه از سوی مقام‌های ذی‌ربط به ویژه رسانه ملی می‌توانست مانند آبی بر آتش اختلافات افتد و آن را خاموش کند، اما فرصت ندادن این رسانه به نامزدهای انتخابات بعد از برگزاری آن عملاً باعث تحریک احساسات آنها و تقویت شائبه حمایت کامل صدا و سیما از یک نامزد انتخاباتی شد.

علاوه بر این مسوولان اجرایی شایسته‌تر بود برای تنویر افکار عمومی در محافل و مجامع دانشگاهی حضور می‌یافتند و به ابهامات موجود پاسخ می‌دادند تا باعث کاهش دامنه اعتراضات شوند، اما متأسفانه برخی به جای این کار عملاً نمک بر زخم پاشیده و طرفداران خود را راهی خیابان‌ها می‌کردند تا در برابر هواداران نامزد رقیب زورآزمایی کنند! در نهایت انتخابات ۲۲ خرداد آخرین انتخابات کشور نبوده و نیست و بعد از این هم انتخابات مجلس، شوراها و ریاست جمهوری خواهیم داشت، انتخاباتی که میزان حضور و مشارکت مردم در آنها می‌تواند پاسخگوی بسیاری از ابهامات کنونی باشد. ▲

می‌کنند، اما هنگامی که منافع خود یا جریانشان به خطر می‌افتد، به تنها چیزی که پایبند نیستند، قانون است که متأسفانه این رویه خلاف اخلاق و عرف، لطمات جبران‌ناپذیری را متوجه نظام و کشور کرده است. جدا از این مساله که هر جریان در انتخابات اخیر کوشید خود را سالم و پایبند به اخلاق نشان دهد، باید به ابعاد اخلاقی قضیه بیشتر توجه کرد. روزها و ایامی که از برگزاری انتخابات گذشته، برای کسانی که خود را مقید به ارزش‌های دینی، اخلاقی، ملی و انقلابی می‌دانند، روزهای سخت و عبرت‌آموزی است. اگرچه مساله به انتخابات ریاست جمهوری بازمی‌گردد، اما بطن ماجرا مربوط به تفسیر و روایتی است که از چگونگی یک رخداد و واکنش‌های مختلف عرصه سیاست در حاشیه آن حکایت می‌کند.

در هر دو گروه رقیب افراد برجسته، عالم، متفکر، مومن و انقلابی وجود دارند که از زاویه و دریچه خاص خود به مسایل نگاه می‌کنند که این در نوبه خود امر پسندیده‌ای است، اما وقتی حرمت‌ها شکسته شود، احترام‌ها از بین برود و همه هستی و زندگی فقط در بودن یا نبودن یک جریان خاص خلاصه شود، شیرینی‌ها تبدیل به تلخی شده و امکان زندگی در یک جامعه توأم با اخلاق دینی از بین می‌رود.

باید به این واقعیت توجه داشت که هیچ کس معصوم نیست، بنابراین چه نامزدها و چه فعالان سیاسی احزاب و جریان‌ها نباید فقط خود را بر حق بدانند و رقیب خویش را باطل بشمارند، زیرا با این تفکر هیچ گاه نمی‌توان انتظار آرامش داشت، همان گونه که نمی‌شود با زور و تحکم، تفکر خود را بر دیگران حاکم کرد.

ملی پیدا کنند که این گونه نشد.

بنابراین کسانی که در تحلیل‌های خود همواره رقیب خود را به ایجاد آشوب و ناآرامی متهم می‌کنند، اگر از ابتدا فرصت بیان دیدگاه‌ها و استدلال‌ها نامزدها در جریان انتخابات را از رسانه ملی پیدا می‌کردند، هیچ گاه مجبور به آمدن به خیابان‌ها و نشان دادن اعتراض خود نبودند. با این توصیف هر دو گروه حامی دو نامزد اصلی اگر از اول با متانت و آرامش بیشتری امور مربوط به انتخابات را دنبال می‌کردند، دامنه اختلاف این قدر بالا نمی‌گرفت که برخی، از احساسات پاک معترضان سوءاستفاده کرده و در بین صفوف آنان شکاف ایجاد کنند و هدف اصلی خود را که همان دامن زدن به آشوب‌های خیابانی و تخریب اماکن عمومی است، پی بگیرند.

در جریان انتخابات و پس از پایان مهلت رای‌گیری بداخلاقی‌های زیادی از سوی برخی رسانه‌های خبری به وجود آمد که فضای جامعه را متشنج کرد. برخی از این خبرگزاری‌ها در حالی که هنوز رای‌گیری ادامه داشت، از پیروزی مطلق نامزد خود آن هم با آرای بالای ۲۰ میلیون نفر خبر دادند! با انتشار این گونه خبرها بدون شک اذهان عمومی را مخدوش کرده و این شائبه را به وجود می‌آورد که در انتخابات احتمال تخلفات گسترده وجود داشته که از قبل از شمارش آراء نتایج آن اعلام می‌شود. بنابراین رویکرد اتخاذ شده از سوی این رسانه‌ها نیز یکی از عوامل بروز ناآرامی‌ها و ایجاد شائبه تخلف در انتخابات بود.

در جریان این ناآرامی‌ها به ویژه در تهران تلفن‌های همراه، پیامک‌ها و دسترسی به اینترنت بسیار مشکل بود و هنگامی که راهی‌مییابی انجام می‌شد، تلفن‌های همراه و پیامک‌ها قطع می‌شد. اگرچه قطع شدن این سیستم‌ها به دلایل امنیتی بوده، اما رویکرد نادرست توزیع اخبار و اطلاعات موجب بی‌اعتمادی مردم به مسوولان ذی‌ربط شد. شهروندان تهرانی می‌دانند که قطع این سیستم‌ها به دلایل مسایل انتخابات و پیامدهای ناشی از آن است تا امکان سوءاستفاده توسط اغتشاشگران به حداقل ممکن برسد، اما با این حال مسوولان مربوطه به ویژه وزارت ارتباطات در این باره اعلام می‌کردند مشکلات فنی موجب قطع پیامک‌ها شده که البته کسی هم این گفته‌ها را باور نمی‌کرد.

همان گونه که اشاره شد، مردم تهران دلایل قطع این سیستم‌ها را می‌دانند و بر ضرورت این اقدام نیز آگاه هستند، اما هیچ گاه هیچ مقام مسوولی نیامد پاسخی صحیح و منطقی به مردم بدهد که این امر در بی‌اعتمادی مردم به آنان نقش موثری ایفا کرد. این گونه رفتارها بدون شک به اعتماد عمومی لطمه می‌زند و شایسته است در آینده از تکرار این گونه اقدام‌ها جلوگیری شود.

به گفته صاحب‌نظران یکی از انتقادهای وارد شده به نظام مدیریتی ما پایبند نبودن به قانون و یا به عبارتی قانون‌گریزی است که مشکلات و تبعات فراوانی را به کشور وارد کرده است که این معضل متوجه یک جریان یا جناح خاص نیست، بلکه عمومیت دارد و همه فعالان سیاسی در هر گروه یا جریانی را شامل می‌شود. با وجود آن که همگان بر ضرورت پیروزی از قانون اساسی تأکید